

علوم قرآن در روایات رضوی

سهیلا پیروزفر *

چکیده

رسالت مهم ائمه اطهار (ع) تبیین معارف کتاب الهی است. امام رضا (ع) نیز با توجه به فضای حاکم و ضرورت‌ها و نیازمندی‌های عصر، در هر فرصتی به تبیین معارف عمیق و معانی دقیق آیات و دفع شبهات مطرح و پاسخ به سؤالات می‌پرداختند، از نکات قابل توجه در روایات امام (ع) توجه به آموزه‌هایی است که امروزه با عناوین علوم قرآنی و تاریخ قرآن مشهورند و زمینه‌های فهم بهتر کتاب الهی را فراهم می‌کنند، از این میان محکم و متشابه، نزول قرآن و جاودانگی آن مباحثی هستند که در لابه لای روایات امام رضا (ع) قابل بررسی و تبیین هستند. این مقاله با توجه به آراء گوناگون در این موضوعات و تحلیل هر یک؛ از روایات امام رضا (ع) در تعیین نظر درست بهره گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، علوم قرآنی، محکم و متشابه، نزول دفعی و تدریجی، جاودانگی قرآن، تحریف ناپذیری

بیان مسأله

با توجه به فضای حاکم در دوران امام رضا (ع) و رشد و توسعه علوم نقلی و عقلی و پیدایش مکاتب کلامی و عقلی ... و به وجود آمدن شبهاتی درباره قرآن از سوی سایر ادیان و فرقه‌ها مباحث مربوط به جایگاه قرآن و نسبت آن با حدیث، تحریف ناپذیری، اعجاز، جاودانگی قرآن، سبب نزول و کیفیت نزول قرآن از جمله موضوعات مطرح در این دوره است.

روشنمند بودن این تحقیق مبتنی بر مؤلفه‌های زیر است:

الف: جامع‌نگری: جستجوی میدانی در منابع حدیثی عامه و خاصه نشان می‌دهد که تعداد روایات رسیده از آن حضرت که مرتبط با علوم قرآنی و تاریخ قرآن باشد، اندک است.

ب: جستجو در منابع مختلف و استخراج مشهورترین و مهم‌ترین آراء در موضوع مورد بحث و تطبیق آن با روایت امام رضا (ع).

شیوه تحقیق، تحلیلی توصیفی است نگارنده ضمن گزارش روایات رضوی به تحلیل محتوا و ارائه آراء دیگران پرداخته است. هدف از طرح این موضوع، ضمن گردآوری روایات مرتبط با برخی مباحث علوم قرآنی به منظور تأیید یا نقد آراء دیگران، تبیین و ترویج این میراث ارزشمند است.

درآمد

فضای حاکم بر دوران امام رضا (ع): امام علی بن موسی ملقب به الرضا با کنیه ابوالحسن یا ابوالحسن الثانی هشتمین پیشوای شیعیان در سال ۱۴۸ ق - یعنی: سال شهادت امام صادق (ع) - در شهر مدینه، چشم به جهان گشود و در ۱۸۳ ق پس از شهادت امام کاظم (ع) به امامت رسید. دوران امامت ایشان همراه با حوادث مهمی است که از جمله نابودی برمکیان در ۱۸۸ ق که با شیعیان دشمنی داشتند و عرصه را بر امام (ع) و پدرشان تنگ کرده بودند، مرگ هارون الرشید در ۱۹۳ ق و جنگ‌های طولانی میان فرزندان او، فتنه واقفیه، انتقال حکومت از بغداد به خراسان و هجرت امام (ع) به آنجا در دو سال آخر حیاتشان، توسعه علوم بر اثر ترجمه آثار و گسترش مباحثات فقهی، کلامی،

عقلی و...مهم ترین آن هاست .

بیشتر دوران امامت امام رضا (ع) هم زمان با خلافت هارون بوده است ، اما برخورد تند و نامناسبی با آن حضرت گزارش نشده است از این رو آن حضرت از طریق ارتباط با شیعیان و طالبان علم ، نشر علوم و معارف و تبیین آن و پاسخگویی به پرسش ها ، ایراد خطبه و سخنرانی در مناسبت های مختلف و آموزش افراد خاص جامعه اسلامی را هدایت می کردند^۲ . به خصوص پس از دوره برمکیان زمینه فعالیت برای امام فراهم تر شده بود . آن حضرت (ع) با اطمینان اعلام کرده بود که از ناحیه هارون به ایشان آسیبی نخواهد رسید^۳ . دوران امین نیز به آرامی برای شیعیان به اتمام رسید ، درگیری های طولانی خانوادگی امین با مأمون زمینه را مساعدتر می کرد . در ۱۹۸ هجری ، بیعت عمومی با مأمون صورت گرفت و مرکز خلافت از بغداد به مرو منتقل شد و امام رضا (ع) در سال ۲۰۱ به مرکز خلافت احضار و مأمون منصب ولایت عهدی خود را به اجبار بر آن حضرت تحمیل نمود^۴ . مدت اقامت آن حضرت در مرو کمتر از سه سال است .

حجم زیادی از فعالیت های فرهنگی ، علمی آن حضرت (ع) در تبیین معارف دینی در قالب مناظره و مباحثه های ایشان با پیروان ادیان و مذاهب دیگر و پرسش و پاسخ در موضوعات کلامی و اعتقادی است علاوه بر این روایات بسیاری در موضوعات فقه ، اصول ، عقاید ، اخلاق و تفسیر قرآن از آن حضرت (ع) به یادگار مانده است ، گسترش مباحثات کلامی و فقهی ، آغاز جامع نگاری احادیث شیعه و پرورش گروه سوم اصحاب اجماع از مهم ترین حوادث فرهنگی این دوره به شمار می آید .

قرآن در نگاه امام رضا (ع) : تحلیل برخی از روایات ائمه به خصوص از دوران امام محمد باقر (ع) به بعد نشان می دهد با توجه به شروع تدوین احادیث گروهی از اصحاب حدیث در باره سنت دیدگاه های خاصی را ارائه داده اند و همین باعث موضع گیری ائمه شده است در گزارشی آمده است : مکحول مدعی بود ، نیاز قرآن به سنت بیش از نیاز سنت به قرآن است : الكتاب أحوج إلى السنة من السنة إلى الكتاب .^۵

این ادعا که قرآن باید با معیار حدیث هماهنگ شود ، بلکه حدیث حاکم بر قرآن است . از مسائل مطرح در آن دوره است که البته تا کنون نیز طرفدارانی دارد .

اوزاعی این جمله معروف را از یحیی بن ابی کثیر نقل کرده است : السنة قاضیه علی

الکتاب و لیس الکتاب قاضیاً علی السنّة؛ سنّت همواره حاکم بر قرآن بوده و قرآن بر آن حکومتی ندارد.

این سخن در برخی کتاب های روایی منعکس شده از سوی دیگر برخی از محدثان اهل سنّت آن را نپسندیده اند. برای نمونه وقتی در این باره از احمد بن حنبل که خود از اصحاب حدیث به شمار می آید سؤال شد گفت: ما أجسر علی هذا أن أقول أن السنّة قاضیه علی الکتاب، إن السنّة تفسر الکتاب و تبینه؛ من گستاخی نمی کنم که بگویم سنّت حاکم بر قرآن است، بلکه سنّت مفسّر و مبین قرآن است.^۶

ریان بن صلت می گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام فرمودند: «کلام الله لا تتجاوزوه ولا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلّوا؛ قرآن کلام خداست، از آنچه او گفته است، فراتر نروید و هدایت را در غیر او نجوید که گمراه می شوید»^۷. این سخن امام (ع)، روشن می کند که هدایت و راه سعادت در تمسک به آموزه ها و داده های قرآن است و پیشی گرفتن بر آن یا پس ماندن از آن، گمراهی است؛ زیرا قرآن کلام خدا و حقّ خالص است.

شیخ صدوق گزارش می کند روزی امام رضا (ع) درباره قرآن و عظمت مفاهیم و دلایل روشن و اعجاز نظم قرآن فرمود: «قرآن، ریسمان محکم خداوند، و دستگیره استوار و راه روشن و مستقیم اوست که انسان سالک را به بهشت رهنمون می سازد، و از ارزش و رونق نمی افتد، زیرا قرآن، برای زمانی مخصوص و معین نبوده است، بلکه حجت و دلیل و برهان خدا برای همه انسان ها در همه زمان ها است که هیچ گونه باطلی نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی آید زیرا از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش، نازل شده است.^۸

امام رضا (ع) در بیان این که قرآن پاسخگوی همه نیازهای انسان و ضرورت های اجتماع در زندگی مادی و معنوی بشر است می فرماید: «خداوند رسولش را به سوی خود فرا نخواند، مگر پس از این که دین را برای او کامل ساخت و قرآن را بر او فرو فرستاد، قرآنی که در آن همه چیز به تفصیل بیان شده است و حلال و حرام، حدود، احکام و هر چیز دیگری که مردم بدان نیازمند می باشند». خداوند درباره قرآن می فرماید: «ما در قرآن از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم» (الانعام، ۶/۳۸).^۹

در حدیثی دیگر آن حضرت می فرماید: «خداوند زمانی پیامبرش را به سوی خود فراخواند که دین او را کامل و بر او، قرآن را نازل کرد، کتابی که روشنگر همه چیز است و حلال و حرام و حدود و احکام و هر آنچه مردم بدان نیازمندند، در آن به طور کامل بیان شده است».

روایات تفسیری امام رضا(ع) که در زمینه های مختلف به خصوص جنبه های توحیدی و اعتقادی... با توجه به فهم مخاطبان و نیاز زمان صادر شده و معمولاً در پاسخ به سؤال یا شبهاتی بوده که مخاطب برای اثبات ادعای خود به آیات قرآن استشهاد کرده و آن حضرت(ع) نیز به تفسیر صحیح و تبیین تفکر ناب اسلامی پرداخته، در میان تفاسیر ماثور پراکنده است.

نویسنده پرتلاش مرحوم آقای عطاردی در کتاب گران قدر خود مسند امام رضا(ع) در باب «کتاب التفسیر» ۱۶ روایت درباره فضل قرآن و ۱۹۳ روایت در بخش تفسیر آیات مختلف به ترتیب سوره ها جمع کرده اند؛ به طور قطع این تمام روایات تفسیری ایشان نیست به عنوان نمونه نگارنده این سطور با یک بررسی اجمالی در کتاب البرهان مرحوم بحرانی ۱۵۴ روایت فقط تا سوره براءت از امام رضا(ع) یافته است که پالایش این روایات با بررسی های دقیق محتوایی و سندی به کمک مبانی فهم و نقد حدیث توسط نخبگان در این فن پیشنهاد می شود.

علوم قرآنی:

علوم قرآنی به دانش هایی که موضوع آن قرآن کریم باشد؛ گفته می شود. زرقانی هر علمی را که در خدمت قرآن بوده و یا مستند به آن باشد را علوم قرآنی دانسته است^{۱۰}. روی هم رفته این علم به مباحث کلی شناخت قرآن می پردازد و پرسش های متعلق به قرآن را پاسخ می دهد.

امروزه اصطلاح علوم قرآن به مجموعه مسائل و گزاره هایی گفته می شود که درباره قرآن یا یکی از موضوعات منتسب به قرآن سخن بگویند.

پیدایش اصطلاح تخصصی علوم قرآنی را مربوط به قرن های ۵ و ۶ دانسته اند^{۱۱}. گرچه این اصطلاح در عنوان کتابی متعلق به نیمه دوم قرن سوم یا ابتدای قرن چهارم به کار

رفته است؛ ابن ندیم به ابن مرزبان - م. ۳۰۹ ق - کتابی مفصل در ۲۷ جزء بانام الحاوی فی علوم القرآن نسبت می دهد^{۱۲}. که البته اطلاعاتی از محتوای این کتاب در اختیار نیست جز این که ابن مرزبان خود آدیبی فرهیخته و مترجم بیش از ۵۰ کتاب از فارسی به عربی بوده و استاد ابن الأنباری صاحب «عجایب علوم القرآن» بوده است ابن الأنباری در این کتاب به موضوعاتی چون فضائل القرآن، نزول قرآن بر ۷ حرف، مصاحف، تعداد سوره‌ها و آیات و کلمات پرداخته است.^{۱۳}

این مقاله به بیان رویکرد امام رضا (ع) درباره برخی مسائل مرتبط با قرآن که امروزه بعضی از آن‌ها در حوزه تاریخ قرآن و برخی دیگر در حوزه علوم قرآنی مورد بحث قرار می‌گیرند، پرداخته است:

الف: بعثت و زمان نزول قرآن

نزول آیات قرآنی شب قدر در ماه مبارک رمضان دانسته شده است^{۱۴}. اما بر اساس داده‌های تاریخی و بسیاری از روایات، مشهور است که اولین آیات قرآن هنگام بعثت رسول اکرم (ص) در چهل سالگی نازل شده است و پس از آن طی بیست و اندی سال این نزول شب یا روز، رمضان و غیر رمضان ادامه داشته است. مسلمانان خود شاهد این نزول تدریجی بوده‌اند و خداوند می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (الاسراء، ۱۷/۱۰۶).

هم‌چنین براساس برخی روایات شیعی معروف است که مبعث رسول اکرم (ص) راهم زمان با نزول آیاتی از سوره علق در ماه رجب می‌دانند. حال چگونه نزول قرآن در شبی از شب‌های قدر در ماه رمضان با بعثت نبی اکرم (ص) در ماه رجب و با نزول تدریجی آیات در بیست و چند سال قابل تطبیق است؟

ب: نظریه‌های مختلف درباره نزول

در این باره حداقل سه نظر مطرح شده است که به طور خلاصه به این شرح است:
نظریه اول: برخی به دو نزول دفعی و تدریجی برای قرآن اشاره می‌کنند؛ منظور از نزول تدریجی این است که در طول حیات نبوت به تدریج و به مناسبت‌های مختلف

آیات قرآنی بر نبی اکرم (ص) نازل شده است، این نزول تدریجی چنان که پیش از این گفته شد به شهادت تاریخ نزول و آیات قرآنی تأیید می شود، قرآن کریم تصریح می کند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» (الفرقان، ۳۲/۲۵) این نظر علاوه بر نزول تدریجی نزول دیگری را به نام نزول دفعی مطرح کرده، این دیدگاه براین باور است که قرآن قبل از شروع نزول تدریجی در شب قدر به صورت یکجا و دفعی نازل شده است. در این میان برخی گفته اند همه قرآن به صورت دفعی و یکجا در شب قدر بر قلب پیامبر نازل شده و طی ۲۳ سال و به تدریج در قالب آیات و سوره ها نازل شده است. برخی نیز برآن اند که همه قرآن به صورت دفعی در شب قدر بر بیت المعمور فرود آمده و سپس به تدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.

شیخ صدوق نزول بر بیت المعمور را به عنوان اعتقاد شیعه بیان کرده است^{۱۵}. اما شیخ مفید آن را مبتنی بر خبر واحدی که موجب علم و یقین نیست می داند و می نویسد: این حرف به مذهب مشبیه براننده تر است زیرا آن ها گمان می کنند خداوند در ازل به قرآن تکلم کرده و از آینده به لفظ ماضی خبر داده و این را اهل توحید رد کرده اند.^{۱۶} برخی دیگر از قائلین این نظر می گویند نزول دفعی بر قلب پیامبر (ص) در شب قدر صورت گرفته و آغاز نزول تدریجی در شب مبعث است به این معنا که همه قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل شده ولی مأمور به ابلاغ آن به مردم نبودند. علامه طباطبایی می نویسد: پس نزول در ماه رمضان و شب قدر یک باره و جملگی بوده نه تدریجی... و جملگی بودنش یا از این نظر است که آیات آن روی هم رفته و به طور کلی یک چیز فرض شده مثل آب باران که دانه دانه است ولی مجموع یکی است و یا از این نظر است که قرآن دارای حقیقتی است غیر از آن چه به فهم عادی درآید و خیال می کنیم که آیاتش پراکنده و تدریجی است، ولی در حقیقت واحد بوده و نزولش یک باره و جملگی است...»^{۱۷}.

از مستندات این نظر تفاوت دو واژه انزال و تنزیل است که انزال فرود چیزی یکجا و یک باره و عام است و تنزیل فرود تدریجی؛ مرحوم رامیار به تفصیل درباره این دو واژه بحث کرده و نوشته است: تنزیل در مورد فرود یک باره و یکجا، هم در قرآن (آل عمران، ۱۵۳/۳) و هم در متون عربی و لغت به کاررفته و منابع لغوی این تفاوت را تأیید

نمی کنند^{۱۸} .

به علاوه درباره این مرحله نزولی از پیامبر اکرم (ص) چیزی وارد نشده و شاهد محکمی بر این ادعا وجود ندارد؛ و روایاتی که این نظر را تأیید می کنند به صحابه می رسند که بازگویی امور غیبی از آنان پذیرفته نمی شود. آیات قرآنی هم چنان چه پیش از این بیان شد همه از پراکندگی نزول سخن به میان آورده اند و ویژگی قرآن کریم که به دنبال حوادثی که رخ می داد یا در پاسخ به پرسشی، آیتی نازل می شده با این نظر مخالف است .

این پرسش نیز قابل طرح است که فایده چنین نزولی چیست؟ قرآن کریم آنگاه که از نزول قرآن در ماه رمضان سخن می گوید می فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (البقرة، ۲/۱۸۵) به راستی نزول بر بیت المعمور^{۱۹} یا قلب پیامبر (ص) چه جنبه هدایتی برای مردم داشته است؟ .

نظریه دوم: تفکیک میان زمان بعثت و آغاز نزول قرآن: کسانی از جمله شیخ مفید و ابن شهر آشوب برآنند که مراد از نزول قرآن در شب قدر، نزول آیات نخستین سوره علق است و زمان بعثت با نزول اولین آیات سوره علق هم زبان نبوده است .

مرحوم معرفت می نویسد: روز بعثت رسول اکرم (ص) بیست و هفتم رجب است اما آغاز نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی در شب قدر از ماه رمضان، سه سال بعد از مبعث بوده است^{۲۰} . البته ایشان بر آن است که سوره علق هم زمان با بعثت نیز نازل شده است^{۲۱} . اما به درستی معلوم نیست چگونه این تکرار نزول را توجیه می کند؛ بنابراین نظر که البته با روایاتی که مبعث را در رجب یا ربیع الاول دانسته سازگار است در شب مبعث نبوت بر آن حضرت (ص) ابلاغ شده است . این روایات بر نزول قرآن در هنگام مبعث تأکیدی ندارند و فقط تصریح دارند که رسول خدا (ص) در سن چهل سالگی پیامبر شد و بعداً نزول قرآن آغاز گردید .^{۲۲}

نظریه سوم: هم زمانی بعثت و آغاز نزول قرآن: این نظر با روایتی که از امام رضا (ع) نقل شده است، تأیید می شود:

فضل بن شاذان - م . ۲۶۰ ق- می گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود: «ماه رمضان ماهی است که خدای تعالی در آن قرآن را نازل کرد تا راهنمایی برای مردم و دلایل روشنی از هدایت و تمیز حق از باطل باشد در آن ماه محمد (ص) پیامبر شد و آن شب قدر است که

از هزار ماه بهتر است»^{۲۳} . هم چنین از امام رضا (ع) درباره اولین آیات نازل شده آمده است که : «اول سوره نزلت : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» [العلق، ۹۶/۱] .^{۲۴} این روایت بر اساس قراین موجود و آیات قرآن تأیید می شود از جمله توجه به روایاتی که نزول آیات نخستین سوره علق را در غار حرا گزارش می کنند^{۲۵} ، هم چنین با روایاتی که صراحت دارند زمان نزول نخستین آیات قرآن در ماه رمضان بوده ؛ سازگار است^{۲۶} . به خصوص این که تحنث های پیامبر اکرم (ص) در ماه رمضان بوده و در یکی از ایام با نزول آیات اولیه سوره قدر به نبوت برگزیده شدند . گزارش های تاریخی نیز حاکی از آن است که پس از بعثت ، پیامبر اکرم (ص) به جای تحنث در غار ، دهه اول یا وسط یا آخر ماه مبارک رمضان در مسجد اعتکاف می کردند^{۲۷} . در تاریخ عرب این انزوای یک ماهه را حاکی از احترام به ماه رمضان دانسته اند . و درباره ورقه بن نوفل و ابوامیه بن مغیره نیز این انزوا در ماه رمضان گزارش شده است^{۲۸} . بنابراین چون نزول اولین آیات سوره علق را در غار حرا دانسته اند و پیامبر (ص) هم در ماه رمضان برای عبادت به غار حرامی رفت ، پس بعثت و آغاز نزول قرآن هم زمان در ماه مبارک رمضان بوده است و منظور از نزول قرآن در این روز شروع نزول است .

ج : محکم و متشابه

محکم و متشابه دو اصطلاح قرآنی هستند که خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران به صراحت آیات قرآن را دو دسته تقسیم کرده است : «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۷/۳) .

قسم اول آیاتی که به محکم اطلاق شده و أم الكتاب به شمار آمده اند و بقیه متشابه هستند . از این آیات فهمیده می شود که فتنه گران با بهره گیری نادرست از تأویل متشابهات باعث گمراهی می شوند . محکم در لغت اسم مفعول از باب افعال است .

این فارس می نویسد : حکم یک اصل دارد و آن منع است .^{۲۹}

و این منظور نوشته است : کلام را وقتی محکم گویند که خود بدون نیاز به غیر گویا و

روشن باشد. ۳۰

متشابه نیز از ریشه «شبه» به معنای همانندی و شباهت است به گونه ای که تشخیص مشکل باشد.

این منظور می نویسد: به اموری متشابه می گویند که متمائل و نظیر یکدیگرند، به امور مشکل هم متشابه گفته شده است. ۳۱

دانشمندان از دیرباز درباره محکم و متشابه و مصادیق آن دو در قرآن پرسش هایی را مطرح و به پاسخ های دیگران توجه کرده اند. در این میان آراء متفاوتی درباره مصادیق محکم و متشابه، پدید آمده است.

علامه طباطبایی ۱۶ نظر در تعریف محکم و متشابه آورده و به نقد هر یک پرداخته است، سیوطی نیز در الإقتان این آراء را گردآوری کرده است، بیشتر این نظریات بر مبنای روایاتی است که به شکل موقوف یا مقطوع از صحابه و تابعین رسیده است؛ از جمله این که: آیات متشابه حروف مقطعه اوایل برخی سوره هستند؛ یا آیات متشابه عبارت از منسوخ هاست؛ یا متشابه به آیاتی اطلاق می شود که الفاظ مجمل داشته باشند؛ یا آیات محکم آیات الأحکام اند و سایر آیات متشابه هستند؛ محکم به آیاتی گفته شده که با عقل قابل درک است و متشابه آیاتی هستند که با عقل درک نمی شوند مانند شمار رکعات نماز ۳۲؛ محکم با تفسیر و تأویل معلوم می شوند و متشابه آن است که خداوند علم آن را به خود اختصاص داده است مانند خروج یا جوج و مأجوج و دجال و حروف مقطعه ۳۳ و... بسیاری از این روایات با یکدیگر متعارض اند مانند این که برخی حروف مقطعه را محکم و بقیه را متشابه و گروهی حروف مقطعه را متشابه و سایر آیات را محکم دانسته اند و برخی دیگر حروف مقطعه را نه محکم و نه متشابه می دانند. ۳۴

علامه طباطبایی پس از گزارش همه نظرها در این باره احکام و تشابه را در پیچیدگی لفظ بلکه در معنا دانسته ولو این که لفظ آن به نظر ساده و غیر پیچیده آید، می نویسد: آیات محکم بیانگر یک مدلول و معنا و آیات متشابه آیاتی هستند که میان چند معنا مشتبه است و با صراحت می دانیم که باید تنها یکی از آن معانی منظور باشد و برای یافتن آن معنا باید به قرآن و آیات محکم ارجاع داده شود. ۳۵. علامه احکام و تشابه را صفت لفظ نمی داند زیرا غرابت لفظ و امثال آن با مراجعه به کتب لغت و آثار متشابه آن رفع می شود

و پیروی از الفاظ غریب بدون مراجعه به منابع لغوی باذوق هیچ اهل زبانی سازگار نیست و همه اهل زبان او را تخطئه خواهند کرد، بنابراین نمی تواند منشأ فتنه باشد... وی در ادامه می نویسد: «آیات متشابه هم دلالت بر معنادارند ولی معنایی که باعث تردید است و با آیات دیگر سازگار نیست و این معنا به گونه ای است که به فهم مردم ساده اندیش، مأنوس است و فوراً آن را تصدیق و از آن پیروی می کنند و از این رو منشأ بدعت ها و انحراف ها و مبدأ فتنه ها و... می شود. ۳۶

مرحوم معرفت نیز ضمن تأیید نظر علامه طباطبایی رابطه متشابه و ابهام را از نوع عموم و خصوص من وجه می داند. ۳۷

دیدگاه امام رضا (ع): شیخ صدوق عن ابیه: حدثنا علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابی حیون مولی الرضا (ع) قال: «من رد متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم... إن فی أخبارنا متشابهاً کمتشابه القرآن و محکماً کمحکم القرآن فردوا متشابهها الی محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلوا». ۳۸

از نکات مهمی که در این روایت قابل تأمل است قابلیت پذیرش بیش از یک معنا در آیات متشابه است که موجب سوءاستفاده و انحراف و گمراهی است و تشخیص معنای درست از بین معانی احتمالی باعرضه بر محکمت قابل دستیابی است؛ بنابراین آیات متشابه هم قابل تفسیر و دست یافتنی هستند، نکته دیگر این که روایت به شیوه ای عام هرکس را که از طریق محکمت که روشنگرند به معنای متشابهات دست یابد، هدایت شده نامیده است بنابراین دستیابی به مراد متشابهات مخصوص افرادی خاص نیست؛ و چنین نیست که عقول بشری از درک معنا و مراد متشابهات عاجز باشند.

د: «جاودانگی قرآن» و جهانی بودن آن

جهانی بودن دین اسلام به این معناست که تعالیم و دستورات قرآن به طبقه، گروه، جامعه، نژاد و زمان و موقعیت خاصی اختصاص نداشته باشد، خطاب آیات کریمه با هدف هدایت به همه مردم و در همه طبقات و زمان ها است بنابراین قرآن فرا زمانی و فرا مکانی است؛ و هنگامی که گفته می شود قرآن کریم جاودانه است منظور فقط جنبه فرا زمانی آن نیست بلکه با توجه به آیات قرآن و ادله دیگر - که ذکر می کنیم - دانسته می شود

که مفهومی گسترده دارد و نه تنها زمان شمولی بلکه توجه به فرد فرد انسان را در بردارد؛ و همه انسان ها در تمام زمان ها و مکان ها مخاطب هدایت گری قرآن هستند.

خدایی که انسان را آفریده، به سعادت و شقاوت و آغاز و انجام او، آگاهی کامل دارد، برای رسیدن انسان به رستگاری که هدف آفرینش او است، راه روشنی را در نظر می گیرد، که هر زمان بر اساس نیاز، بخشی از آن را به وسیله وحی و کتاب های آسمانی به پیامبران، فرستاده و انسان ها با اندیشه و استفاده از راهنمایی انبیاء و اوصیاء، عناصری از آن را کشف و به آن ها عمل کرده اند در نتیجه به صورت آیین عمومی درآمده است. در قرآن کریم آیاتی است که دلالت بر عمومی بودن و جهانی بودن دعوت اسلام و شریعت دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الانبیاء، ۲۱/۱۰۷) و سوره های: (الفلم، ۶۸/۵۲؛ التکویر؛ ۸۱/۲۷؛ سبأ، ۳۴/۲۸؛ الاعراف، ۷/۱۵۸؛ الفرقان، ۲۵/۱) و در آیه: «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (الانعام، ۶/۱۹). خداوند متعال هدف نزول قرآن را انذار و برحذر داشتن مخاطبان تا روز قیامت دانسته است.

علامه طباطبایی نوشته است: اسلام گذشته از یک رشته معارف اصلی مربوط به مبدأ و معاد و یک رشته دیگر اصول اخلاقی، یک سلسله قوانین و مقررات در مورد اعمال انسانی هم دارد که بدون استثناء به همه جهات جامعه رسیدگی نموده، هر انسان مکلفی را اعم از سیاه و سفید و عرب و عجم و مرد و زن، در هر محیطی و با هر شرایطی موظف می کند که اعمال فردی و اجتماعی خود را با آن ها تطبیق کند از آن دستورها که مجموعه آن ها به نام شریعت نامیده می شود پیروی نماید.^{۳۹}

معجزه بودن قرآن در این است که متنی ثابت معنایی همیشه متغیر را در خود جای داده است، متنی که در بردارنده حقیقت مطلق است و در عین حال، فهم نسبی و عصری بشر را برمی تابد.^{۴۰}

از دلایل دیگر جاودانگی قرآن این است که اسلام دین فطرت است و میان دستورات اسلام و فطرتشان، هیچ گونه اختلاف و تضادی وجود ندارد، «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (الروم، ۳۰/۳۰). شریعت اسلام با فطرت انسان هماهنگ است و چون فطرت امری ثابت و تغییرناپذیر است پس فطرت ثابت برای رشد و تعالی و به کمال رسیدن از یک سو نیاز به شریعت ثابت و

جاودانه دارد و از سوی دیگر به آیینی جامع که پاسخ گوی تمام احتیاجات او در همه زمان ها باشد نیاز دارد.^{۴۱}

در مسأله خاتمیت این بحث مطرح می شود که چون اسلام دین جامع معرفی شده خداوند متعال دانا به همه تحولات و نیازهاست آینده را ملاحظه کرده، تعالیم و دستورات را به گونه ای ارائه داده است که بتواند برای همیشه پاسخگوی مقتضیات و نیازها باشد و در همه شئون انسان جوابگو باشد باز بودن باب اجتهاد که از مهم ترین وظایف دانشمندان اسلامی است به دلیل جاودانگی اسلام می باشد، به عقیده اقبال لاهوری اجتهاد عبارت است از جمع میان اصول ابدی شریعت و رخ داده ای متغیر زندگی انسان که از هیچ کدام از این دو نمی توان دست برداشت، دست شستن از اصول حاکم بر دین، منجر به سرگردانی می شود و پشت پا زدن به تحولات نیز مسلمانان را به وضع غمباری که در گذشته دچار آن بوده اند گرفتار می کند پس نه می توان از اصول ابدی شریعت دست کشید و نه باید تحولات را نفی کرد و باید میان این ها جمع کرد.^{۴۲}

از دلایل دیگر جاودانگی قرآن، ختم نبوت است که از ضروریات دین اسلام شمرده می شود و یکی از باورهای بنیادی همه مسلمانان جهان از صدر اسلام تا امروز بوده است، لازمه خاتمیت اسلام، جاودانگی آن و قرآن کریم است.

صریح ترین آیه ای که ختم نبوت را به طور آشکار و بدون ابهام اعلام کرده، این آیه است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (الاحزاب، ۳۳ / ۴۰).

اگر بنا باشد شریعت مورد پذیرش حق: «إِنَّ الدِّينَ، عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۳ / ۱۰۹) به عنوان دین خاتم، دوام نداشته باشد، زمانی این بشر نیازمند هدایت، از مسیر هدایت و می ماند و یا منحرف می شود و این با غرض از خلقت نمی سازد.^{۴۳}

پس دین اسلام از جامعیت و کمالی برخوردار است که نیازی به تجدید نبوت و تجدید شریعت نبوده است و جامعیت و کمال دین از لوازم قطعی خالقیت محسوب می شود و خاتمیت مستلزم پیش بینی سازوکارهای ابدی نیز است، منطقی نیست که دینی ادعای خاتمیت و ابدیت کند اما در درون خود هیچ ابزار و وسیله ای را برای سیر و حرکت مستمر خود در بستر زمان پیش بینی نکرده باشد.

امام رضا (ع) در تبیین این موضوع می فرمایند: «و شریعة محمد (ص) لاتنسخ إلی یوم القیامة و لانبی بعده إلی یوم القیامة...»^{۴۴}. مردی از امام رضا (ع) سؤال کرد: قرآن چگونه است که هر چه خوانده می شود و منتشر می شود، تازه تر می شود؟ امام (ع) فرمود: «زیرا خداوند آن را در هر زمانی تازه و نو و نزد هر ملتی تا روز قیامت مورد استفاده قرار داده است: «لأن الله تبارک و تعالی لم يجعله لزمان دون زمان و لالناس دون ناس، فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غضّ إلی یوم القیامة؛ خداوند قرآن را برای زمان و مردمان خاص نازل نفرموده، از این جهت در هر زمانی جدید است و تا روز قیامت نزد هر قومی تازه و شکوفاست»^{۴۵}. آری صاحب قرآن خدای حکیمی است که بر همه زمان ها اشراف دارد و سخنش در دایره تنگ حوادث جزئی محدود نمی ماند.

شیخ صدوق با سند نقل می کند که روزی امام رضا (ع) از قرآن یاد کرد و شیوه استدلال و چگونگی بیان آیات و اعجاز در نظم قرآن را برشمرد و فرمود: «قرآن ریسمان محکم خداوند و رشته استوار او و راه برتری است که به بهشت راهنمایی می کند و از دوزخ رهایی می بخشد... و از آنجا که برای زمانی خاص پدید نیامده است، و درگذر روزگاران کهنه نمی شود و با خواندن فراوان، اعتبار خود را از دست نمی دهد، بلکه دلیلی روشن و حجّت همه نسل ها است... از پیش رو و پشت سر، خط بطلان بر آن کشیده نمی شود.

کتابی است که از سوی خداوند حکیم فرود آمده است.^{۴۶} شیخ صدوق هم چنین از امام رضا (ع) نقل می کند که مردی درباره قرآن از ایشان سؤال کرد؟ امام فرمودند: «کلام الله لا تتجاوزوه و لا تطلبوا الهدی فی غیره فتصلوا».^{۴۷}

هـ: تحریف ناپذیری قرآن

بسیاری از دانشمندان یکی از مهم ترین دلایل تحریف ناپذیری قرآن را جاودانگی آن می دانند و می گویند: با توجه به این که اسلام آخرین دین است، اگر تحریف شود، پیامبر دیگری که راه درست را به مردم نشان دهد نخواهد آمد و مردم گمراه خواهند شد. از حکیم محال است آنچه را که برای هدایت بشر فرستاده از تحریف حفظ نکند.

امام رضا (ع) فرمود: «قرآن چون کلام خداوند است، کتاب زنده ای است که متعلق به زمان خاصی نبوده، بلکه برای همه انسان ها و همه اعصار است. کلام حقی است که

باطل نمی گردد؛ و دچار تغییر و تحریف نمی گردد»؛ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت، ۴۱/۴۲). ۴۸

درواقع رمز جاودانگی قرآن این است که زوال نمی پذیرد و پاسخگوی مشکلات بشری است، امام رضا (ع) می فرمایند: ریسمانی استوار است که تمسک به آن باعث هدایت انسان به مقاصد الهی و رهایی از آتش دوزخ می شود ۴۹. چگونه ممکن است چیزی که دچار تحریف شده است باعث نجات و رهایی از گمراهی و آتش جهنم باشد و امام (ع) پیروی از آن را تنها راه سعادت معرفی می نمایند.

به امید آن که با تاسی جستن به قرآن و سفارش های ائمه اطهار (ع) راه هدایت را بیابیم و بر آن استوار بمانیم.

۱. البته سال های ۱۵۱ و ۱۵۳ هجری نیز نقل شده است، ۸. همان/ ۲۸۶.
۲. بحار الأنوار، ۴۹/ ۱۰۰.
۳. مناقب آل أبي طالب «ابن شهر آشوب»، ۴/ ۳۶۷.
۴. مناقب آل أبي طالب، ۴/ ۳۳۹.
۵. امام به گونه های مختلف از جمله وداع های متعدد و متفاوت با مرقد شریف رسول خدا (ص)، سخنان و سفارش های ایشان به خانواده در آستانه سفر به خراسان و حتی تصریح آن حضرت (ع) به این که دیگر مدینه را نخواهد دید اجبار و اکراه خود در پذیرش دعوت مأمون را نشان داد. «عیون أخبار الرضا (ع)»، ۲/ ۲۱۷؛ مناقب آل أبي طالب، ۴/ ۳۴۰» تحلیل علل این پیشنهاد از سوی مأمون و رد آن حضرت (ع) مجال دیگری می طلبد.
۶. الکفایة فی علم الروایة «خطیب بغدادی»/ ۳۰؛ جامع بیان العلم «عبدالبر»، ۲/ ۵۶۳.
۷. جامع بیان العلم و فضله، ۲/ ۱۹۱؛ الکفایة «خطیب»/ ۳۰. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۵۶.
۸. همان/ ۲۸۶.
۹. همان، ۱/ ۴۴۵.
۱۰. مناهل العرفان، ۱/ ۲۷.
۱۱. همان؛ علوم القرآن عند المفسرین، ۱/ ۱۰.
۱۲. الفهرست «ابن ندیم»/ ۱۴۹.
۱۳. مباحث فی علوم القرآن «صیحی صالح»/ ۱۲۲.
۱۴. (القدر، ۱/ ۹۷؛ الدخان، ۳/ ۴۴؛ البقرة، ۲/ ۱۸۵).
۱۵. الاعتقادات «صدوق»/ باب ۳۱.
۱۶. تصحیح اعتقادات الإمامیة/ ۱۲۳- ۱۲۴.
۱۷. المیزان، ۲/ ۱۶.
۱۸. تاریخ قرآن/ ۱۰۸.
۱۹. بیت المعمور به أعنای خانه آباد است که خداوند متعال در سوره طور بدان قسم خورده است (الطور، ۴/ ۵۲) برخی روایات رسیده از صحابه این مکان را خانه ای در آسمان در برابر کعبه بیت الحرام، بیت العقیق دانسته اند. «جامع البیان طبرسی، ۱۱/ ۱۰- ۱۱»

- الدرالمنثور، ۴/ ۱۱۷-۱۱۸. از میان راویان حسن بصری بیت المعمور را به دور از هر وصف آسمان همان کعبه دانسته «التبیان»، ۹/ ۴۰۲؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، ۸/ ۴۷ و در مکان که نظر غالب مفسران معاصر همین رأی است. «التحریر و التنویر»، ۲۷/ ۳۸؛ الکاشف، ۷/ ۱۶۱؛ محاسن التأویل، ۱۵/ ۲۰۹؛ فسیر المرآی، ۹/ ۱۹؛ المنیر فی العقیة و الشریع «زحیلی»، ۲۷/ ۶۷.
۲۰. التمهید، ۱/ ۷۶-۷۸.
۲۱. همان، ۹۵-۹۶.
۲۲. بحار الأنوار، ۱۸/ ۱۸۹-۲۰۴؛ و: ۳۱/ ۳۵-۳۱ و ۵۱.
۲۳. نور الثقلین، ۱/ ۱۶۴.
۲۴. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۲۷.
۲۵. السیرة النبویة «ابن هشام»، ۱/ ۲۰۵؛ بحار الأنوار، ۶/ ۴۴۷.
۲۶. اسباب النزول «واحدی»، ۶/ کتاب التفسیر «زرقانی»، ۸۶/ ۱.
۲۷. تاریخ بلاذری، ۱/ ۸۴-۱۰۵؛ السیرة الجلی، ۱/ ۲۷۱.
۲۸. تاریخ العرب فی الاسلام «جوادی علی»، ۱۳۰.
۲۹. معجم مقانیس اللغة، ۲/ ۹۱.
۳۰. لسان العرب، ۱۲/ ۱۴۱.
۳۱. همان، ۱۳/ ۵۰۳.
۳۲. ممکن است این اشکال بر این نظر وارد شود که آیه ای که در آن به تعداد رکعات نماز اشاره کرده باشد نداریم و حکم کیفیت نماز از روایات به دست می آید.
۳۳. قرطبی بر این باور است که این نظر بهترین وجه در تعریف محکم و متشابه است اما دقت نکرده که آیه ای که در آن از خروج دجال سخن گفته باشد نداریم.
۳۴. المیزان، ۳/ ۳۳؛ الإیتقان، ۲/ ۳.
۳۵. المیزان، ۳/ ۴۰.
۳۶. همان، ۴۱-۴۲ و ۸۰.
۳۷. التمهید، ۳/ ۹۰۱۲.
۳۸. عیون أخبار الرضا (ع)، ۱/ ۲۹۰. سند این روایت تا أبویحیون صحیح است البته برخی چون ابراهیم بن هاشم پدر علی بن ابراهیم را امام ممدوح دانسته اند، سند را تا أبویحیون حسن می دانند اما درباره أبویحیون در کتب رجالی مدح و ذم نیامده و نجاشی فقط از او کتابی به نام ملاحم را گزارش کرده است این روایت با آیه هفتم سوره آل عمران و روایتی دیگر از امام علی (ع) قابل تأیید است.
۳۹. مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها/ مقاله اجتهاد در تقلید/ ۲۰۰.
۴۰. الکتاب و الفرقان «الشحرور»، ۱۸۷.
۴۱. چهل حدیث «امام خمینی (ره)»، ۱۸۰-۱۸۱؛ تفسیر تسنیم «جوادی آملی»، ۱/ ۳۱.
۴۲. نقدی بر قرائت رسمی از دین «مجتهد شبستری»، ۲۲۱.
۴۳. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات، ۵۱/ ۵۶) که مفسران آن را به «الآ ليعرفون» تفسیر کرده اند.
۴۴. وسائل الشیعة، ۲۸/ ۳۳۸؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۸۰.
۴۵. بحار الأنوار، ۸۹/ ۱۵؛ أخبار و آثار امام رضا (ع) «عطاردی»، ۳۰۹.
۴۶. عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۶۹.
۴۷. همان.
۴۸. همان.
۴۹. أخبار و آثار امام رضا (ع)، ۳۰۹.